

لغات و اصطلاحات سریال
فرار از زندان S05_E05



محمد دوچی 96/02/23

Prison Break 5

I ran into town to get some coffee.

من او مدم شهر تا یکم قهوه بگیرم.

Do you want anything?

تو چیزی لازم داری؟

I'm almost done here.

تقریباً کارم تموم شده.

I will see you at the lake in a little while.

یکم دیگه کنار دریاچه میبینمت.

There's no easy way to deliver this news.

هیچ راه آسونی برا گفتن این خبر نیست.

What did they say?

اونا چی گفتن؟

what I did hear was your name and Michael's.

چیزی که شنیدم اسم تو و مایکل بود.

Now go. Find them.

حالا برید. پیدا شون کنین.

ISIL just offered ten million for our heads.

داعش همین الان ده میلیون برای سر ما جایزه گذاشت.

We got to get off these streets or we're dead.

باید از این خیابونا بریم بیرون وگرنه میمیریم.

I found a place to figure out next steps.

یه جا پیدا کردم که بتونیم یه نقشه بکشیم.

This is the part you tell me what's going on.

الان دیگه وقتشه بهم بگی چه خبره.

The whole thing.

همه چیز رو.

You'll get your answers, I promise.

تو جواب هات رو میگیری، قول میدم.

Even if we make it across the city, it's suicide.

حتی اگر بتونیم به اون سمت شهر برسیم، این یه خودکشی هست.

We go where they never expect us.

میریم به جایی که اونها انتظارش رو ندارن.

You came all the way to Yemen looking for him.

تو اینهمه راه اومدی به یمن دنبال اون بگردی.

You want to live?

میخوای زنده بمونین؟

the airport's the only option.

فرودگاه تنها راه انتخابه.

Artery

شریان - شاهراگ

the airport's known as the main artery to the outside world.

فرودگاه به عنوان شریان اصلی به بقیه ی دنیا محسوب میشه.

It's the first thing ISIL will shut down.

اولین جایی که داعش تعطیلش میکنه همونجاست.

My plan will work.

نقشه ی من جواب میده.

Once you leave.

محض اینکه برین.

We shouldn't even be talking about this.

ما حتی نباید در این باره بحثی بکنیم.

How are you alive?

چطوری هنوز زنده ای؟

what happened to you, Michael?

چه بلایی سرت اومد، مایکل؟

now, I'm not moving another inch until you tell me.
الان هم تا وقتی که بهم توضیح ندی از جام تکون نمیخورم.

What the hell is really going on here.
اینجا واقعا چه خبره.

Michael Scofield had to die.
مایکل اسکافیلد باید میمرد.

I had to fake my death.
باید مرگم رو جعل میکردم.

It was part of the deal I made.
یه بخشی از معامله ای بود که من انجام دادم.

We were free.
ما آزاد بودیم.

We were exonerated.
ما تبرئه شده بودیم.

That's what we thought.
این چیزی بود که فکر میکردیم.

But we were wrong.
اما در اشتباه بودیم.

I'm not used to that yet.
هنوز بهش عادت نکردم.

He used that as a legal fulcrum.
از این به عنوان یه اهرم قانونی استفاده کرد.

Unless I went to work for him.
مگر اینکه من براش کار کنم.

What the hell can they be talking about at a time like this?
تو همچین وضعیتی دارن راجع به چی حرف میزنن؟

those voices are heading our way.
اون صداها دارن نزدیکتر میشن.

they're almost on us.

تقریباً رسیدن بهمون.

And he needed my help.

و به کمک من نیاز داشت.

I wasn't allowed to have contact with any of you.

من اجازه نداشتم با هیچکودومتون تماسی داشته باشم.

Why didn't you reach out to me?

چرا باهام تماس نگرفتی؟

I didn't have a choice.

چاره ای نداشتم.

I wouldn't do it.

من اینکار رو نمیکنم.

Everything I did, I did for family.

هرکاری که کردم، بخاطر خانوادم بود.

They're starting to search the buildings.

اونا دارن ساختمانها رو میگردن.

All passengers must present a ticket.

تمام مسافران باید بلیط ارائه بدن.

We need to go through there.

ما باید از اون سمت بریم.

Even the pilot can't get on the plane.

حتی خلبان هم نمیتونه سوار هواپیما بشه.

This is an airport full of planes.

اینجا یه فرودگاه پر از هواپیماست.

Your friends are too late.

رفیقات دیر کردن.

Look around you.

اطرافت رو نگاه کن.

We're not leaving.

ما نمیریم.

What is that place?

اونجا کجاست؟

they're here. ISIL are here.

اونا اینجان. داعش اینجاست.

I have an idea.

من یه فکری دارم.

Don't lose the pilot.

خلبان رو گم نکنین.

Don't do it.

اینکارو نکن.

What are you doing here?

اینجا چیکار میکنی؟

on your knees.

زانو بزن.

Halt.

تکون نخور.

Don't shoot.

شلیک نکنین.

I've seen them with my own eyes.

با چشم های خودم دیدمشون.

Why do you help me?

چرا بهمن کمک میکنی؟

trying to get out of this madness.

میخوام از این دیوونه بازی خلاص شم.

We're not gonna get out through those gates.

ما نمیتونیم از طریق اون دروازه ها بریم بیرون.

Is everything all right?

همه چی رو به راهه؟

it's been a crazy day.

روز دیوونه کننده ای بوده.

We're gonna talk about it in the car.

ما داخل ماشین راجبش حرف میزنیم.

Are you sure?

مطمئنی؟

I'll get it tomorrow.

من فردا میگیرمش.

I want you to get in the car.

ازت میخوام بری داخل ماشین.

Where you going so fast?

کجا میری با این عجله؟

you usually meet with killers?

معمولا با قاتلها دیدار میکنی؟

I can explain, okay? Just listen to me.

میتونم توضیح بدم باشه؟ فقط بهم گوش کن.

I was sick with worry.

من از نگرانی داشتم میمردم.

I needed to protect you.

باید ازت محافظت میکردم.

He tracked those bastards down.

اون حرومزاده ها رو ردیابی کرد.

I'm telling you, Michael, this is a bad idea.

دارم بهت میگم مایکل ، این ایده ی بدیه.

ISIL are everywhere.

داعش همه جا هستند.

I would have paid twice that.

من دو برابرش هم پول میدادم.

Keep your head down.

سرتون رو پایین بگیرید.

Sane

عاقل – معقول

I think it's time we get sane and head to the airport.

فکر میکنم وقتش شده که عاقل شیم و بریم به سمت فرودگاه.

This is better. They control the station.

این بهتره. اونا ایستگاه رو کنترل میکنن.

They'll never think to look for us here now.

اونا هیچوقت فکر نمیکنن که الان اینجا دنبالمون بگردن.

That's what you see when you see the train?

این چیزیه که میبینی وقتی که به قطار نگاه میکنی؟

now that's suicide.

حالا این دیگه خودکشیه.

Once we are on the train, ..

وقتی که رسیدیم داخل قطار، ..

besides, we don't need to look like them.

در ضمن، ما لازم نیست شبیه شون باشیم.

All the roads are blocked.

همه راه ها بسته شدن.

What now?

الان چی میشه؟

I mean, it was all a lie.

منظورم اینه که، همش یه دروغ بود.

Wasn't it?

نبود؟

our whole life.

همه زندگی ما.

He was standing as close as you were to me right now.

اون به همین اندازه که تو الان نزدیک منی ایستاده بود.

You haven't slept in three days, right?

تو سه روزه که نخوابیدی، درسته؟

I believe you.

من باورت میکنم.

That's all that matters.

این تمام چیزیه که مهمه.

Look, there's been a huge misunderstanding.

ببین، یه سوء تفاهم بزرگی بوجود اومده.

I can explain everything.

من میتونم همه چیز رو توضیح بدم.

Let's just see if there's a simpler explanation.

بیا ببینیم که آیا توضیح ساده تری وجود داره.

I have an old friend in that department.

من یه دوست قدیمی تو اون بخش دارم.

We can find out.

ما میتونیم بفهمیم.

What do I care?

به من چه؟

he can answer for himself.

میتونه برای خودش جواب پس بده.

Get on the other side of that train.

برید اون سمت دیگه قطار.

What do you want?

چی میخوای؟

look at the picture I just sent you.

عکسی که الان برات فرستادم رو ببین.

I can see the murderers now.

الان میتونم قاتلها رو ببینم.

Not so fast.

نه به این زودیا.

There's enough fuel to get us out of Yemen.

سوخت کافی برای اینکه ما رو از یمن ببره بیرون هست.

We'll find out.

خواهیم فهمید.

There's another station.

یه ایستگاه دیگه هست.

Anticipate

پیش بینی کردن – انتظار داشتن

they won't anticipate us coming that way.

نمیتونن پیش بینی کنن که داریم اون سمتی میایم.

Look around you.

اطرافتو ببین.

Your plans affect people you don't even see it.

نقشه هات مردم رو متاثر میکنه تو حتی نمیبینیش.

I have to stay focused.

من باید متمرکز بمونم.

Good work.

کار خوبی کردی.

The airport might be the right choice.

فرودگاه ممکنه که انتخاب درست باشه.

Instinct

غریزه

I trust my instincts.

من به غرایضم اطمینان دارم.

They've gotten us this far.

اون ها ما رو تا اینجا آوردن.

Choice is your.

انتخاب با خودته.

I agree with you, even if I don't know you from Adam.

من باهات موافقم، با این وجود که از اول تو رو نمیشناسم.

Craziest horse I've ever met.

دیوونه ترین اسبی که تا حالا دیدم.

Professor told us to speak with you.

پروفسور به ما گفت که با تو صحبت کنیم.

Thanks for taking the time.

ممنون از اینکه وقت گذاشتی.

What did he ask you to do?

اون ازت خواست که چیکار کنی؟

I gave him what I could find.

چیزی که تونستم رو بهش دادم.

They couldn't hide that from me.

اونها نتونستن اون رو ازم مخفی کنن.

So, now we got some time to talk.

خب، الان ما یکم زمان برای حرف زدن داریم.

What else don't I know?

دیگه چیا هست که من نمیدونم؟

I don't even know why..

من حتی نمیدونم چرا..

you dragged me into all this.

تو منو کشیدی تو همه این ماجراها.

You got to forget the past.

تو باید گذشته رو فراموش کنی.

None of that matters now.

هیچکدومشون دیگه مهم نیستن.

It's not good enough this time.

این بار به اندازه ی کافی خوب نیست.

A reason that's gonna change your life.

دلیلی که قراره زندگیتو عوض کنه.

There's a light at the end of the tunnel for you.

آخر این تونل تاریک یه روشنایی برای تو هست.

What the hell was that?

اون دیگه چی بود؟

there's no way out.

اینجا هیچ راه خروجی نیست.

Look for a way out.

دنبال یه راه خروج بگردین.

You do the same.

تو هم همین کار رو بکن.

Just come with us.

فقط با ما بیا.

You'll see.

خودت میفهمی.

Thanks for coming in.

مرسی که اومدین.

We'd like you to point out who broke into your home.
ما میخوایم که شما اونی که به خونتون حمله کرد رو شناسایی کنید.

Are you sure?

مطمئنید؟

I'm absolutely sure.

من کاملاً مطمئنم.

There's got to be a way out.

باید یه راه خروج باشه.

Doing down's not gonna work.

پایین رفتن جواب نمیده.

We need to set up an ambush and fight.

ما باید کمین کنیم و باهاشون بجنگیم.

Fist

مشت زدن – با مشت گرفتن

it's not always about fists.

همیشه این زور بازو نیست که مهمه.

I'm telling you there is no way out.

دارم بهت میگم. هیچ راه خروجی نیست.

Then find something to fight with, you idiot.

پس یه چیزی پیدا کن که باهاش بجنگی احمق خان.

What are you going to do with that?

قراره با اون چیکار کنی؟

what the hell are you doing?

داری چه غلطی میکنی؟

you'll go blind.

کور میشی.

Well. It's about fists now.

خب ، از این به بعد فقط زور بازو که مهمه.

All this running is pointless.

همه این فرار کردن بی ارزشه.

Do you know what they will do to me here?

میدونی اونا اینجا با من چیکار میکنن؟

away from seeing eyes.

دور از چشم دیگران.

I won't let that happen.

من نمیزارم این اتفاق بیوفته.

I'm not giving up.

من تسلیم نمیشم.

What are you gonna do with that?

قراره با اون چیکار کنی؟

I should have come to you.

من باید میومدم پیش تو.

I should have asked for your help.

باید ازت کمک میخواستم.

At the time, I thought..

اون زمان، فکر میکردم..

if I dealt with it myself, the pain would only be mine.

اگه خودم باهانش مواجه بشم، دردش فقط برای من خواهد بود.

I wanted to make it better, but I only made it worse.

من میخواستم شرایط رو بهتر کنم، ولی فقط بدترش کردم.

I made a lot of mistakes.

من اشتباهات زیادی کردم.

You're the smartest person I've ever known.

تو باهوش ترین کسی هستی که من میشناسم.

I don't know what you thought, but..

نمیدونم چه فکری کردی، اما..

I'm just a husband who was worried about his wife.

من فقط همسری ام که نگران خانومش بود.

I should have told you what I was doing.

من باید بهت میگفتم که چیکار میکردم.

I was trying to play the white knight.

من داشتم سعی میکردم نقش شوالیه سفید رو بازی کنم.

It was insanity.

دیوونگی بود.

I thought they would respond to money.

من فکر کردم شاید اونا پول رو قبول کنن.

I contacted the police before the meet,

من قبل از ملاقات با پلیس تماس گرفتم.

I am so sorry I put you through this.

من خیلی متاسفم که تو رو تو این شرایط قرار دادم.

It will be fun.

خوش میگذره.

I've always wanted a crack at these bastards.

من همیشه دلم میخواست که دهن این حروم زاده ها رو سرویس کنم.

I need to take a break from making decisions.

من باید یه مدت از تصمیم گیری کناره گیری کنم.

I got someone, I want you to talk.

یکی اینجاست که میخوام باهاش حرف بزنی.

Now that's a voice I never thought I'd hear again.

اینم صدایی که فکر نمیکردم دیگه هیچ وقت دوباره بشنوم.

Where can we meet you?

کجا میتونیم ببینیمت؟

we could be there in 20 minutes.

ما میتونیم تا بیست دقیقه دیگه اونجا باشیم.

I don't know if we have that long.

فکر نکنم اونقدر ا وقت داشته باشیم.

Wait for us. We'll be there.

منتظرمون بمون. ما اونجا خواهیم بود. (خودمونو میرسونیم)

we got to move.

باید حرکت کنیم.

I heard your call.

حرفاتو پشت گوشی رو شنیدم.

Talk to me, stay with us.

باهام حرف بزن. باهامون بمون.

He's gone.

اون مرده.

Don't waste yourself on him.

وقت خودتو با اون تلف نکن.

You'll beat him by surviving.

تو با نجات پیدا کردن از اینجا بهش ضربه میزنی.

You will die, you hear me?

شما میمیرین، میشنوبین چی میگم؟

you will all die.

شما همتون میمیرید.

We can't wait.

ما نمیتونیم منتظر بمونیم.

We must go now.

ما باید همین الان بریم.

Listen, we wait five more minutes.

گوش کن، ما پنج دقیقه منتظر میمونیم.

Listen, we are not leaving my friends.

گوش کن، من دوستانمو ول نمیکنم.

Shut it down.

خاموشش کن.

You would condemn us all to death.

تو همه مارو محکوم به مرگ میکنی.

If you stop me, no one gets out.

اگه جلوی من رو بگیري، هیچکي هیچ جا نمیره.

You got to get out of here.

تو باید از اینجا بری بیرون.

We can do this thing.

ما میتونیم این کارو بکنیم.

We've been through worse.

ما تو شرایط بدتر از اینم بودیم.